

ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی عصر ناصری از منظر سیاحان غربی (۱۲۷۵-۱۲۲۷ش)

۱- دکتر جهانبخش ثواقب*، ۲- معصومه هادی، ۳- لیلا مشکانی

۱- استاد تاریخ دانشگاه لرستان

۲- دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه لرستان

۳- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

شهر ایرانی در ایام سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به‌رغم حفظ ساختار کالبدی سنتی، در اثر آشنایی با الگوهای معماری غربی و ورود تأسیسات تمدنی جدید به کشور، به آرامی مسیر تغییر را پیش گرفت و عناصری از تجدد را در خود نمایان ساخت. در فضای کالبدی شهر این دوره، بناهای جدیدی در کنار بناهای قدیمی قد برافراشتند که چهره شهر را دگرگون کرد و در گزارش‌های سیاحان دیدار کننده از ایران بازتاب یافته است. این مقاله با رویکرد تاریخی به شیوه توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای با استناد به متون سفرنامه‌ای و اهتمام به شاخص‌های شکلی و محتوایی در صدد ارائه تصویری از صور کالبدی شهر در عصر ناصری از دیدگاه سیاحان غربی است. در این پژوهش با ارائه صور گوناگون ساختار کالبدی شهر عصر ناصری، چگونگی انتقال عناصر سازه‌ای غرب به ایران در ابتدای سلطنت وی مطرح شده است، پدیده - ای که به تدریج ابتدا به تحولات محتوایی شهر و سرانجام به تحولات کالبدی آن انجامید. یافته پژوهش نشان داده که شهر ایرانی این عصر با تحولات فضای کالبدی و محتوایی همراه شده

است. تحولات کالبدی آن درون‌مایه تجدد غرب را به همراه داشته و عناصر محتوایی آن متأثر از مکتب تهران بوده است و سرانجام به دوران انقطاع تاریخی در شهرسازی ایرانی-اسلامی رسیده است.

واژه‌های کلیدی: قاجاریه، عصر ناصری، شهر ایرانی، ساختار کالبدی، سیاحان غربی.

۱. مقدمه

شهر از دیدگاه تاریخی محل تصادم نیروهای همگرا و واگرای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تنوع اقلیمی، تنوع کارکردی و عناصر جغرافیایی است که ارائه تصویری جامع و مانع از آن را با موانع عدیده و گاه ناممکن مواجه ساخته است. این نیروها زمینه‌ی اصلی دگرذیسی کالبدی شهر را در ازمنه تاریخی مهیا می‌سازد. از سوی بیشتر پژوهشگران، شهر فضایی چند بُعدی، حاصل عملکرد انسانی-محیطی است که در مکان جغرافیایی مفهوم و هویت خود را باز می‌شناسد. چنین متصور می‌شود که در تاریخ شهرنشینی ایران ساختار فضایی-کالبدی آن متأثر از تفکیک اجتماعی و هندسه قدرت بوده است. شهرهای ایران همواره در مسیر حیات خود به آرامی با تحولات محتوایی و کالبدی متناسب با شرایط اجتماعی و تاریخی خود همراه بوده‌اند. در حد فاصل سال‌های ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ش (محدوده زمانی عهد قاجار در ایران) که مقارن است با ورود روزافزون کالاهای صنعتی غربی به ایران و آشنا شدن ایرانیان با تمدن نوپای اروپایی متأثر از انقلاب صنعتی، به تدریج جامعه نیز خود را همسو با تغییرات بالاجبار برآمده از تمدن جدید غرب می‌سازد. این تغییرات نسبت به دوره‌های پیش از خود دارای مشخصه‌هایی است که بنا به ماهیت شتابزده خود ابتدا به تغییر محتوایی به عاریه گرفته از خارج جامعه شهری و در نهایت به تغییر درونی تمامی عناصر شهری از جمله عناصر کالبدی منتهی گردید؛ چنین تغییراتی در دوره ناصری (آغاز به سال ۱۲۶۴ه.ق) و دوره بعد از سلطنت وی بر سرعت خود می‌افزاید و منجر به تغییرات پایه‌ای و مبنایی شهرسازی اخیر می‌گردد. به گونه‌ای که شهر تهران در این دوره- و تبریز کم‌تر از آن- در معرض بیشترین تغییرات قرار گرفتند- تا جایی که شکل کالبدی شهر تهران تغییر کرده، بر وسعت شهر افزوده شد، جمعیت آن افزایش یافت، ساختمان‌های جدیدی به سبک غربی در آن پدید آمد، خیابان‌های بزرگی کشیده شد، چراغ

گاز روشنایی بخش شب‌های تهران گردید و...؛ چنین تغییراتی امروزه لزوم بازشناسی ساختار کالبدی شهر، مفهومی برآمده از تغییرات اجتماعی عهد قاجار را دارای اهمیت می‌سازد. پرسش اصلی پژوهش آن است که ساختار کالبدی شهر ایرانی در عصر ناصری چه دگرگونی را به خود دیده است؟ این پرسش بر این مفروض قرار دارد که تحولات کالبدی شهر این دوره متأثر از درون‌مایه‌های تجدد غرب در حال گذر از ساختار سنتی به سوی تغییرات شتابزده بوده است.

اهمیت این پژوهش از آن رو است که تا کنون توجه به فضاها کالبدی شهر در ادوار تاریخی آن به فراموشی سپرده شده و یا بهای ناچیزی به آن داده شده است. افزون بر این، شهر را عنصری نوین منتج از جریان‌های سیاسی و اقتصادی جدید می‌دانند که در نتیجه به برداشتی سهل‌انگارانه از شهر و شهرنشینی انجامیده که هویت ساکنان خود را در ازمنه تاریخی وانهاده و به عصر جدید پا می‌گذارد. با چنین برداشتی مقاله حاضر در پی شناخت و دسته‌بندی وجه ممیزه ساختاری و فضایی شهر عهد ناصری است؛ تا به گونه‌ای بتواند مسیر تغییر هویت شهرهای ایران را به تصویر بکشد. عصری که تأثیر شگرف بر تاریخ شهرنشینی ایران برجای می‌گذارد؛ چرا که می‌توان آن را آغازگر تحولات اساسی در شهرنشینی دانست. بنابراین، **هدف** اصلی پژوهش بازنمایی ابعاد کالبدی- فضایی شهر در عصر ناصری و دسته‌بندی و شناخت آن از لحاظ ساختاری و کالبدی و چگونگی تغییر در شکل عناصر شهری در این مقطع زمانی است، که به نوعی از آن به دوران انقطاع تاریخی در شهرسازی ایرانی- اسلامی یاد می‌شود.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تاریخی است که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی- تحلیلی سامان یافته است. در این روش پس از گردآوری اطلاعات از منابع معتبر تاریخی و متن‌پژوهی و تحلیل متن، بر اساس سؤالات و فرضیه‌های طرح شده و با استنتاج و استدلال عقلی، موضوع پژوهش بررسی و تحلیل شده است. تحلیل این گزارش‌ها به روش مقوله‌بندی، مستندسازی و مقایسه تطبیقی انجام یافته است. در این روش، سیاق چیدمان فضایی عناصر کالبدی در بیان و توصیف ساختاربنندی و پیکربندی فضایی مورد توجه قرار گرفته است. از میان منابع تاریخی نیز تکیه

اصلی پژوهش بر سفرنامه‌های سیاحان غربی به‌ویژه آنان که در ایام سلطنت ناصرالدین شاه از ایران دیدار داشته‌اند، بوده است. زیرا نگاه غالب از منظر نویسندگان سفرنامه‌ها به عنوان ناظران اجتماعی با کم‌ترین جانبداری متوسل به دربار، می‌تواند تصویری جامع‌تر از شرایط عصر مذکور به دست دهد. سواى انگیزه نوشتن سفرنامه توسط افراد غربی که به ایران می‌آمدند، از این سفرنامه‌ها از آن روی که سرشار از اطلاعات ریز و درشت در باره جامعه ایران آن دوره هستند و توسط افرادی نگارش شده‌اند که به صورت یک شخص ناظر به این امور توجه کرده‌اند، می‌توان آگاهی‌های بسیاری در موضوع پژوهش به دست آورد. افزون بر این، تاریخ‌نگاران ایرانی عصر قاجار همچون ادوار پیشین توجه چندانی به حیات اجتماعی ایران نداشته‌اند. از سویی این تاریخ‌نگاران به موجب روابط حکومتی خود نتوانسته یا خواستار ارائه تصویر اجتماعی از شهر نبوده‌اند. چرا که از نگاه آنان، تاریخ بیش‌تر ابزار نگه‌داشت رخدادهای سیاسی- نظامی جامعه بوده است.

پیشینه تحقیق

در پژوهش‌هایی که در باره حکومت قاجاریه انجام یافته، تغییرات ساختار کالبدی شهر این دوره مورد توجه نبوده است، هر چند درباره شهر و شهرنشینی در جامعه اسلامی و ایران پژوهش‌های درخوری صورت گرفته است. برای نمونه؛ فلامکی (۱۳۵۰) در مقاله خود سهم فضای معماری در زندگی سنتی ایران را مشخص کرده است. اشرف (۱۳۵۳) در مقاله‌ای به ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی پرداخته است. سلطانزاده (۱۳۶۲) روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران را مطرح کرده و همو (۱۳۶۷) مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران نوشته است و همچنین وی (۱۳۷۰) پژوهشی با موضوع فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران نیز به انجام رسانده است. عثمان (۱۳۷۶) پیدایش، طراحی و برنامه‌ریزی شهر اسلامی، اجزاء و تأسیسات آن، زندگی سیاسی و اجتماعی در این شهرها را بررسی کرده است. همبلی (۱۳۸۷) در مقاله خود در تاریخ کمبریج ایران، شهر سنتی ایران در دوره قاجار را مطرح کرده و در آن به ساختار شهرها و زندگی شهری پرداخته است. یوسفی‌فر (۱۳۹۰ الف) به مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان پرداخته و در آن افزون بر الگوشناسی شهر ایرانی در دوره سلجوقی، تکامل، هویت‌یابی و شکل‌شناسی شهر، نیز مناسبات اقتصادی- اجتماعی و

وضعیت مبادله و توزیع در شهرهای این دوره را مطرح کرده است. همو (۱۳۹۰ب) در پژوهشی دیگر، با عنوان «شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران»، علاوه بر تعاریف شهر و روستا و مفاهیم وابسته به آن، مناسبات شهرنشینی و روستانشینی، رابطه روستا با شهر و رابطه شهر با روستا را در این سده‌ها بررسی نموده است. رضوی (۱۳۹۰)، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان را موضوع پژوهش خود قرار داده و بر مقوله‌های تجارت، راههای تجاری، مراکز تجاری و مالیات‌ها، بازار و تولیدات شهری و تشکیلات پیشه‌واری و نظام پولی در این عصر تأکید کرده است. پژوهش حاضر متفاوت از آنچه در زمینه شهر و شهرنشینی در ایران ارائه شده، به ساختار کالبدی و فضایی شهر ایرانی عصر ناصری بر اساس گزارش‌های سیاحان غربی دیدار کننده از ایران این دوره، پرداخته و این ساختار را در چند بخش: ساختار سیاسی- اداری، ساختار اقتصادی، اماکن مسکونی و زیرساخت‌های شهری، تبیین کرده است.

۲. ساختار کالبدی- فضایی شهر ایرانی در دوره قاجار

در ایران دوره اسلامی متأثر از احکام شرعی در باب شهرسازی که متکی بر کتاب و سنت بود (ر.ک: عثمان، ۱۳۷۶: ۳۵)، فضای کالبدی شهرها شکل گرفت و علاوه بر خانه‌سازی و دکان‌ها، مجموعه‌ای از تأسیسات درون شهری شامل کاخ و ارگ حکومتی، مساجد، بازار، کاروانسرا، حصارها و قلعه‌ها، پل‌ها، سدها، دروازه‌ها، گورستان‌ها، بیمارستان‌ها، حمام‌ها، مکتب‌خانه‌ها و مدارس، خانقاه‌ها و رباط‌ها، ضرابخانه، مقابر، امامزاده‌ها، آب‌انبارها، آسیاب‌ها، کتابخانه‌ها، خیابان‌ها و میدان، شبکه آب‌رسانی و فاضلاب و ... از جمله بناهای شهرها بودند (ر.ک: همان: ۲۱۷-۲۷۴. رضوی، ۱۳۹۰: ۴۸-۵۳). این روند در شهرهای سنتی تا پیش از دگرگونی‌های اجتماعی جدید، معمول بود. پیدایش شهر در ایران تحت تأثیر سه عامل کلی فرهنگ (دین و مذهب)، اقتصاد (چگونگی تولید و توزیع ثروت، مصرف) و محیط یا اقلیم بوده است (یوسفی، ۱۳۹۰ب: ۵۴). ویژگی‌های اصلی شهر دوره اسلامی عبارت بود از: کارکرد سیاسی؛ یعنی شهر به عنوان مقر قدرت سیاسی که در وجود ارگ، دژ و حضور حکمران در شهر تجلی می‌یافت. کارکرد دینی که در کالبد مسجد جامع متجلی می‌شد. پدیده بازار که کارکرد اقتصادی داشت، وجود محلات مختلف، پیروی از یک نظام برنامه‌ریزی اندیشیده‌ای

برای تحقق آرمان‌ها و ایده‌آل‌های جامعه اسلامی در شکل شهر و مناسبات درونی آن (همان: ۵۳). در برخی دیدگاه‌ها، سه رکن اساسی: مسجدجامع، بازار و مقر حکومتی در شکل شهرهای اسلامی برجسته نشان داده شده‌اند. مسجدجامع مرکز مذهبی، سیاسی و روحانی شهر و منطقه زیر نفوذ شهر به شمار می‌رفت و مهم‌تر آن که کارکردهای علمی و آموزشی و اجتماعی را دربر داشت. در کنار مسجدجامع بناهای اصلی سیاسی شهر، که جایگاه استقرار حاکم یا نمایندگان او بود، قرار داشت. در سوی دیگر مسجدجامع و گاه در گرداگرد آن، بازار استقرار و گسترش می‌یافت. وجود این سه نهاد مهم در شکل شهر اسلامی بازتابی از بنیان‌های اصلی زندگی اجتماعی در جامعه اسلامی بود (سلطانزاده، ۱۳۶۲: ۱۲۲. فلامکی، ۱۳۵۰: ۸-۱۳. اشرف، ۱۳۵۴: ۱۸-۲۳. یوسفی، ۱۳۹۰الف: ۹۱-۹۲). در شهرهای اسلامی، زندگی شهری بر چهار بنیان اجتماعی: محله، اصناف و انجمن‌های اخوت، اجتماع مذهبی یا امت و دولت ساماندهی شده بود (اشرف، ۱۳۵۳: ۴۸). در باب چگونگی بنیاد نهادن شهر در ایران، موریه می‌گوید: «شهرهای خود را با نقشه همسان بنیاد می‌نهند: نخست کاخ، سپس میدان، بعد مسجد و دست آخر بازار را می‌سازند» (موریه، ۱۳۸۶: ۲۴۰). چنین تعریفی که موریه از استخوان‌بندی شهر ایرانی ارائه می‌دهد، اشاره به ارکان اصلی شهر دارد که شامل ارگ در مرکز شهر، شارستان حد فاصل بین باروی شهر تا ارگ حکومتی که خود متشکل است بر دو قسمت شار میانی و شار بیرونی و محلات که در شار میانی واقع می‌گردند و به فرق، اقشار، اصناف و گروه‌های اجتماعی خاص و تفکیک شده‌ای اختصاص داشته‌اند.

در دوره قاجار دگرگونی چندانی در سیمای شهرها دیده نمی‌شود. بازار و هسته اصلی شهر علاوه بر نقش اقتصادی، محل تظاهر تمام اشکال و شکل‌بندی‌های اجتماعی و اقتصادی شهر است. دسترسی‌ها از بازار جدا شده و به مرکز محلات می‌رود. محلات به عنوان مکانی نیمه-مستقل در شهرها مطرح است. سازمان شهری در دوره قاجار شامل ارگ (بخش دولتی و اداری حاکم‌نشین)، بازار (مرکز خرید و فروش)، مسجدجامع و دیگر مساجد و بالاخره محلات مسکونی می‌گردد. در راستای بازارها گروه‌های صنفی تمرکزی نداشته‌اند، بلکه در بازارهای انشعاب یافته از بازار اصلی استقرار داشتند. در این دوره مسجدجامع، بازار و مرکز حکومتی و فضاهای شهری جایگاه ویژه دارند. از عناصر شهری ویژه این دوره گسترش تکایا و حسینیه-

هاست. از دیگر خصوصیات آن می‌توان مراکز اداری و سیاسی و قضایی را نام برد (شیعه، ۱۳۸۶: ۲۰۷-۲۰۸).

تصویری اجمالی از فضای کالبدی شهر ایرانی پیش از عهد ناصری؛ یعنی دوران سلطنت آغا محمدخان، فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار، بر اساس گزارش‌های دیپلمات‌های اروپایی، مسافران و هیئت‌های مبلغان مذهبی، توسط همبلی که از آن به شهر سنتی تعبیر می‌کند، ارائه شده است. وی برخی از گزارش‌های سر ویلیام جونز، کینر، لایارد، جرج فورستر، جیمز فریزر و جیمز موریه را نقل کرده است که نکاتی از آنها درباره سیمای برخی از شهرهای این دوره به دست می‌آید (ر.ک: همبلی، ۱۳۸۷: ۵۶۵-۵۷۵). برخی از این مسافران، شهرهای این دوره ایران را به نظر تحقیر می‌نگریستند و به خاطر فلاکت، کثافت و ویرانی آن‌ها محکوم می‌کردند. آن‌ها پیوسته بر وجود دیوارهای فرو ریخته، بناهای مخروبه و نیمه ویران و آثار تاریخی فراموش شده، تأکید می‌نمودند (همان: ۵۶۷). در نگاه کینر (kinneir) از اعضای کمپانی هند شرقی انگلیس که بین سال‌های ۱۸۲۴ تا ۱۸۳۰ م. سفیر این کمپانی در ایران بود به عنوان یک ناظر خارجی، همه شهرهای ایران ربع اول سده نوزدهم میلادی (سال‌های اولیه سده سیزدهم قمری)، مثل هم بودند. دور آن‌ها را یک دیوار گلی و گاه آجری فرا گرفته بود که در آن به فواصل منظم برج‌هایی گرد یا مربع احداث شده بود. خیابان‌ها تنگ و کثیف و جوی آبی در میان آنها جاری بود. خانه‌ها که پست با بامی مسطح و از آجر یا گل ساخته شده بودند هر یک حیاط کوچکی داشتند که دیوار بلندی آن‌ها را احاطه کرده بود. خانه‌ها پنجره‌ای رو به خیابان نداشتند یا به ندرت داشتند. قصرهای بزرگان، گرچه از بیرون ظاهر حقیری داشت، در درون مناسب و فاخر بودند. بازارها در بعضی شهرها، به خصوص لار و شیراز ممکن بود بناهای زیبایی داشته باشند اما مساجد، مناره‌ها و مدرسه‌ها، مهم‌ترین آرایه‌های شهرهای ایران بودند (به نقل از همان: ۵۶۷).

به‌رغم این‌گونه روایت‌ها، شهر قاجاری از طریق اداره‌ی شهر توسط ترکیبی از نهادهای مدنی که محلات تاریخی، تبلور کالبدی آن بود به چنان انسجام کالبدی دست می‌یابد که شاید پیش از این هرگز در شهر ایرانی، تجربه نشده بود. همه چیز از فرهنگ و اقتصاد، عمران و آبادانی و نظام اجتماعی در ارتباط با هم و براساس مضمون زندگی جاری شکل می‌گرفت و از همین رو،

تضادی لاینحل میان زندگی مردم و شهر ایجاد نمی‌گردید. نه معماری مزاحم شهر بود و نه شهر مزاحم سکونت. بنابراین می‌توان شهر قاجاری و به تبع آن نظام شهرسازی این دوره را تکامل مفهوم مدنیت در تاریخ شهرسازی ایران دانست که بسیاری از مفاهیم اجتماعی-مدنی آن قابل بازشناسی است (منصوری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱-۲). در ادامه، این ساختار کالبدی-فضایی، بر اساس گزارش‌های موجود ترسیم می‌شود.

۲-۱. ساختار اداری-سیاسی و عناصر آن

در ساختار سیاسی-اداری، تأسیساتی نظیر ارگ، برج و بارو، قصرهای سلطنتی، سفارتخانه و کنسولگری، چاپارخانه و پست دولتی، تلگرافخانه و...، بخشی از فضای کالبدی شهر را تشکیل می‌داد که در گزارش‌های سیاحان غربی عصر ناصری بازتاب یافته است. در این ساختار، تأسیسات نوین در کنار بناهای سنتی، فضای کالبدی متفاوتی از شهر سنتی پدید آورده است.

۲-۱-۱. ارگ

شهر عهد ناصری، ارگ را که از عناصر اصلی شهرسازی اسلامی است، به گونه‌ای دگرگونه نسبت به دوران پیش از خود در کالبد خویش می‌یابد. می‌توان ادعا نمود، به غیر از ارگ حکومتی تهران که قصرهای شاهی در آن واقع بود و به واسطه‌ی احداث عمارت‌های جدید شکل آن دگرگون و در پایان سلطنت ناصرالدین شاه هیچ اثر و علایمی نداشته است که یکی از سیاحان (کرزن، ۱۳۸۷: ۴۱۴) بتواند آن را در زمره ارگ‌های قدیمی درآورد، ارگ‌های حکومتی در بقیه شهرها یا در اثر مراقبت به همان حال قدیمی مانده و یا در اثر اهمال‌کاری و غفلت، قسمت‌هایی از آن مخروبه شده است. به نوشته مارکام، شهر تهران قدیم مدور بود و قریب یک فرسنگ دور آن می‌شد. بنای عمده در این شهر ارگ و عمارت سلطنتی بود که برج و باروی محکم داشت و خندقی دور آن حفر کرده بودند. دو سمت ارگ به قلعه شهر منتهی می‌شد و دو سمت دیگر متصل به شهر بود. خندق ارگ از سمت شهر پلی چوبین داشت که از روی آن عبور نموده داخل میدان ارگ می‌شدند و به درب‌خانه پادشاه می‌رفتند. عمارت سلطنتی تهران بسیار وسیع بود. حیاط‌ها و باغ‌های متعدد و حرمخانه بسیار معتبر داشت (مارکام، ۱۳۶۴: ۳۴).

قصرهای شاهی، سفارتخانه روسیه و منازل صدراعظم و دیگر وزیران، مدرسه دارالفنون و زندانی برای حبس محکومین (پولاک، ۱۳۸۰: ۷۱)، به همراه تالارهای بزرگ شرفیابی و سلام، کلاه‌فرنگی‌ها، گالری‌ها، باغ‌ها و استخرها (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۸) از جمله قسمت‌هایی بوده که در درون ارگ شاهی در تهران قرار داشته است. تکیه دولت نیز در ارگ واقع بود (فووریه، ۱۳۸۹: ۱۹۰). علاوه بر قصرها و عمارات اختصاصی شاه، قصرها و ساختمان‌های دیگری نیز بودند که به دستگاه‌های دولتی تعلق داشت. پاره‌ای از ساختمان‌ها هم برای سکونت اشخاص مهم و مقامات درباری اختصاص داده شده بود، از جمله ساختمان معروف به سفارتخانه که مخصوص پذیرایی از سفرای خارجی بود. در قسمت غربی محله ارگ و سمت چپ خیابان اصلی آن (از جنوب به شمال)، عمارات و ساختمان‌های متعددی قرار داشتند که قسمتی از آن‌ها برای دیوانخانه یا محلّ ادارات دولتی، از جمله دفترخانه اطاق استیفا و مستوفی‌ها و غیره، و قسمت دیگری از آن‌ها به عنوان منزل مسکونی وزرا و درباریان و پاره‌ای هم برای اصطبل اسب‌های سلطنتی یا اسب‌های توپخانه اختصاص داده شده بود (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۸). شکل ارگ تقریباً چهارگوش و با ساخت‌وسازهایی که در آن شده بود، به دوزنقه شباهت پیدا کرده بود. به گزارش فووریه، ارگ به صورت مثلثی منظم در وسط تهران واقع شده بود و از شمال به خیابان مریضخانه و میدان توپخانه، از جنوب به خیابان جبه‌خانه، از مشرق به خیابان ناصریه و از مغرب به خیابان جلیل‌آباد محدود می‌شد. خیابان‌هایی که به ارگ منتهی می‌گشت به وسیله دروازه‌هایی محافظت می‌شدند و هرگاه که قراولان محافظ دروازه‌ها به بستن دروازه‌ها مبادرت می‌کردند، ارتباط ارگ و شهر قطع می‌شد. در بالای یکی از سردرها، همان که به میدان ارگ راه داشت، نقاره‌خانه قرار داشت. در وسط میدان ارگ که میدان شاه هم گفته می‌شد، توپ مروارید مستقر بود (فووریه، ۱۳۸۹: ۱۹۴-۱۹۵). (۲۰۷).

شایان ذکر است که به واسطه احداث موزه (فووریه، ۱۳۸۹: ۲۰۹-۲۱۱) و کاخ‌های شمس‌العماره و بادگیر و دیگر ساختمان‌هایی که ناصرالدین‌شاه در درون ارگ تهران برآورد، قسمت‌هایی از دیواره‌های ارگ را خراب کرده و به محیط آن افزودند؛ این اقدام موجب شد آن‌چه که به عنوان محافظ ارگ در گذشته کاربرد داشته، یعنی خندق اطراف ارگ و توپ‌های تعبیه شده در باروهای آن، از کارایی افتاده و چنان که یکی از سیاحان بیان داشته در

آن زمان، «خندق پر شده و توپ‌ها را به قورخانه منتقل کرده‌اند» (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۴۸). حصارهای کهنه و بلند ارگ در قسمت‌هایی که بنای تازه‌ای نشده بود همچنان برپا بود و قصر سلطنتی که نصف ارگ را گرفته بود در وسط این حصار ساخته شده بود (فووریه، ۱۳۸۹: ۱۹۵). در باب ارگ‌های حکومتی در دیگر شهرها نیز اگر از خرابی‌ای سخن نرانده باشند که بر سر ارگ حکومتی آمده است (دیولافوا، ۱۳۹۰: ۲۲۰-۲۱۹)، تنها به این ختم می‌شده است که از ارگ‌های قدیمی و تاریخ بنا و قدمت و آثار تزئینی آن‌ها یاد می‌کردند.

۲-۱-۲. برج و بارو

شهرها در زمان ناصرالدین شاه نیز همچون دوران گذشته، خویش را محصور در دیوارهای شهر می‌یابند و بدین طریق خود را از دست تعدیاتی که از بیرون بر آن وارد می‌شده، مصون می‌داشته‌اند. خشت خام و ملاط کاه گل هم‌چنان مصالح عمده و اصلی ساخت این شهرها بوده، بارو در تمامی اطراف شهر کشیده می‌شد و در آن برج‌هایی برای نگهبانی و دروازه‌هایی برای آمدوشد تعبیه می‌کردند. اگرچه شکل باروی بسیاری از شهرها «مانند دایره تمامی» بوده (دیولافوا، ۱۳۹۰: ۲۳۱)، ولی در بعضی شهرها نیز به واسطه ساخت و سازهایی که همواره انجام می‌شده و تخریب و خرابی‌هایی که به وقوع می‌پیوسته، شهر از حالت دایره‌وارگی خود خارج شده و به شکلی دیگر در می‌آمده است. برج‌ها را اغلب محکم‌تر می‌ساخته و گاه‌گاهی از آجر در بنای آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند. در دروازه‌های شهر نیز پیش می‌آمده که از آجرهای مینایی استفاده کرده و آن‌ها را تزئین می‌نموده‌اند (موزر، ۲۵۳۶: ۲۴۰). برای مستحکم‌تر کردن زمینه دفاعی شهر در پای دیوار بیرونی خندقی حفر می‌کرده و در آن آب جاری می‌نموده، تا مانع دسترسی دشمنان به دیوارها بشوند. بلندی حصارها گاه به‌طور متوسط ۷ تا ۸ متر بوده است (براون، ۱۳۸۷: ۱۰۵). خندق در حقیقت وسیله‌ی دفاعی و حفاظی برای شهر به شمار می‌رفت. پس از خندق، حصار و دیوار بلند خاکی شهر وجود داشت که در هر پنجاه یا شصت متر دارای یک برج بود که در آن‌ها توپ‌ها را مستقر کرده و افراد پیاده هم می‌توانستند در آن‌ها مستقر شده و از سوراخ‌های برج‌ها مهاجم را زیر آتش خود قرار دهند. تهران دارای شش دروازه بزرگ بود. در اطراف هر دروازه دو برج مستحکم و بزرگ دژمانند وجود داشت که از آجر و سنگ‌های الوان ساخته شده بود و با انواع کاشی‌های خوش‌رنگ تزئین شده بود

(بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۵-۱۷۴). این وضعیت در آغاز قاجار نیز وجود داشته چنانچه در گزارش گاردان اشاره شده در تهران جلوی هر دروازه‌ای از ۲۰۰ تا ۳۰۰ قدم برجی گلی ساخته‌اند و روی آن را اندود کرده و خندقی نیز گرداگرد تهران هست که هیچ قسمت آن از قلعه دیده نمی‌شود (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۶).

میان دروازه‌های تعبیه شده در باروها و محلات شهر نسبت کارکردی‌ای برقرار بوده و هر محله با دروازه‌ی مخصوص به خود با بیرون از شهر مرتبط بوده است. چریکف در باب رابطه دروازه و محلات، شهر همدان را مبنای قیاس گرفته و گفته است: «دروازه‌های شهر را محله چندی است که هر یک درب دروازه برای یک محله قسمت گردیده، در هنگام ضرورت که اتفاقی می‌افتد و اغتشاشی فراهم می‌آید، دروازه‌ها را بسته و مردم مشغول تکالیف لازمه و پیشرفت کارهای خود می‌گردند. این دروازه‌ها از هر حیث برای اهالی آن شهر نفع کلی دارد. در بیشتر شهرهای ایران دروازه‌ها را به همین وصفی که ذکر کردیم، موضع نموده‌اند» (چریکف، ۱۳۸۷: ۹۸).

لازم به تأکید است که بروج و باروی شهر از آغاز دوره ناصری رو به تخریب نهاد. این تخریب ابتدا در تهران و سپس به آهستگی با ورود به دوره بعد یعنی شهرسازی عهد پهلوی در سایر شهرها نیز نمود پیدا می‌کند. با اقدام ناصرالدین شاه در ۱۲۸۴ق. برای توسعه شهر تهران که به واسطه افزایش جمعیت آن، این توسعه به نظر اجتناب‌ناپذیر می‌آمد، دست اندرکاران و کارگزاران تمام برج‌ها و باروها و استحکامات دفاعی سابق را خراب و خندق را پر کردند و مساحت شهر را افزایش دادند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/۵۳، ۸۸، ۸۹، ۱۰۴). از این تاریخ به بعد برج و بارو در تمام شهرها از اهمیت و اعتبار خود خارج می‌گردد.



تصویر ۱: نمایی از ارگ شهر مشهد



تصویر ۲: نمایی از دروازه قرآن شیراز

۲-۱-۳. قصرهای سلطنتی

ایجاد قصر از مظاهر قدرت سلاطین در ادوار تاریخی محسوب می گردیده و پادشاهان قدرتمند به شکل معمول برای نشان دادن قدرت حکومت خویش در ایجاد قصرهایی رفیع کوشش فراوان مبذول می داشتند. چنین قصرهایی گاه منزلت دارندگان خود را نسبت به پادشاهان دیگر به نمایش می گذاردند که خود بیانگر ظهور عصر نوین با قدرت متمرکز دولتی بود. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه اهتمام کمتری به قصر جدید می شد و تنها تعداد اندکی قصر در محدوده ارگ شاهی تهران و تعدادی در بیرون از آن ایجاد شد. در سایر شهرها کم تر ذکری از قصرهای جدید به میان آمده و حکام ولایات، که معمولاً از فرزندان و خویشاوندان شاه بوده و یا افرادی مرفه الحال بودند، بیش تر در همان قصرهای قدیمی به سر می بردند. آنچه در مورد قصرهای ناصرالدین شاه در ارگ شاهی مطرح است این است که این قصر بیش از نیمی از محیط ارگ (نگارستان) را در بر می گرفت. قسمتی از قصر متعلق به حرم شاهی، و ورود و

خروج به آن برای غیر ممنوع بود، به این قسمت اندرونی می گفتند. قسمتی دیگر از نگارستان در زمان فتحعلی شاه ساخته شده بود که به صورت چند برج دایره وار ساختمان های آن را برآورده و در ساخت این قسمت و تزئین داخل آن شیوه اروپایی به کار گرفته بودند (اورسل، ۱۳۶۲: ۲۱۵؛ شیل، ۱۳۶۲: ۱۰۵. فووریه، ۱۳۸۹: ۲۳۸). حیاط بزرگ اندرونی باغچه هایی مربع شکل با درخت های چنار بلند داشت و در وسط آن، عمارت دو طبقه ای به نام خوابگاه بود که شاه معمولاً شب ها در آن جا استراحت می کرد. عمارت خوابگاه مربع شکل و بر روی زمین کم ارتفاعی ساخته شده بود. دورادور آن غلام گردشی با ستون های عدیده بود و توسط پلکانی به طبقه اول راه داشت. در جلوی آن، سردری به شکل طاق وجود داشت که در وسط این سردر یک پلکان مرمری با پانزده پله بنا شده بود. عمارت خوابگاه از بالا منتهی می شد به بامی مسطح و چهار طرف عمارت با حجاری و سرستون های گچی و نقوش گچ بری تزئین شده بود (فووریه، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۲).

قسمت بیرونی قصر سلطنتی یعنی گلستان مرکب از چند عمارت بود که شاه بر حسب عادت روز را در یکی از این عمارات سر می کرد. گلستان باغ وسیعی بود تقریباً مربع شکل که درخت های مختلف داشت و در همه ی فصول گل کاری شده بود. چند حوض بزرگ نیز داشت که هوای باغ را خنک نگاه می داشت (همان: ۱۹۵). عماراتی که در دور گلستان ساخته شده بود عبارتند از عمارت موزه در جهت شمالی، شمس العماره در مشرق، عمارت بادگیر در جنوب و عمارتی که به تازگی به سبک معماری عهد لویی شانزدهم در سمت مغرب بنا شده بود. این عمارات به وسیله بناهای کم اهمیت تری به همدیگر مرتبط می شدند و بر دیوار آن ها سربازانی تفنگ به دوش نقاشی کرده بودند (همان: ۱۹۶). عمارت بادگیر را به این جهت که چهار بادگیر در چهار طرف آن به شکل برج درست کرده بودند به این اسم می خواندند. سمت چپ آن قوش خانه بود که در این زمان متروک افتاده بود و سمت راست آن زین خانه قرار داشت که پر از زین و یراق بود. نمای جلوی آن که عریض بود و پنجره های شیشه ای داشت متوجه باغ گلستان بود ولی پلکان مرمر آن در داخل حیاطی بود که در آن در طرف راست عمارت باز می شد. در انتهای همین حیاط، کارخانه های الماس تراشی سلطنتی قرار داشت. در عمارت بادگیر تعدادی مجالس نقاشی جالب کار هنرمندان ایرانی وجود داشت (همان: ۱۹۸-).

۱۹۹). عمارت رفیع شمس‌العماره با دو برج در انتهای گلستان ساخته شده بود. این قصر که بر شهر تهران اشرف داشته روبه‌روی بازار واقع شده بود و محلی برای نظاره جمعیت بود که به سبکی اروپایی بنا نهاده شده بود. دو غرفه در کنار برج‌ها تدارک دیده بودند که مزین به کاشی‌کاری‌های زیبایی بوده و از تعدادی پنجره برخوردار بود که خود از تعدادی شبکه به‌وسیله آجر ساخته شده بود. ایوانی به سبک ایتالیایی در آن تدارک دیده بودند که به‌وسیله پلکانی به یک استخر ختم می‌شده است (کرزن، ۱۳۸۷: ۴۳۱. فووریه، ۱۳۸۹: ۱۹۷-۱۹۸).

اطاق‌های شمس‌العماره مخصوص اهل حرم بوده (فووریه، ۱۳۸۹: ۱۹۸) و کرزن به اشتباه این نظر را رد کرده است (کرزن، ۱۳۸۷: ۴۳۱-۴۳۲). جلوی در بزرگ عمارت شمالی جلوخانی بود دارای دو ردیف ستون که روی آن‌ها بالاخانه‌ای ساخته بودند. طرف چپ آن موزه و طرف راست اطاق‌هایی قرار داشت که بزرگ‌ترین آن‌ها را اطاق الماس می‌گفتند و سراسر آینه‌-کاری بود. پایین‌تر از این اطاق، نارنجستان قرار داشت. نارنجستان باغی دراز و زمستانی بود که در آن درخت‌های نارنج بسیار پرورده بودند و نهر آب صافی در مجرای آن آرام آرام از میان آن می‌گذشت (فووریه، ۱۳۸۹: ۱۹۷، ۲۰۱) و لطافت دل‌پذیری به آن می‌داد. نارنجستان دارای یک تالار بزرگ بوده و قسمت‌هایی از دیوار آن را با مرمر سبز پوشانده و بر آن‌ها حاشیه‌هایی از طلا کار نهاده و کف آن را با کاشی‌های آبی مفروش کرده بودند (اورسل، ۱۳۶۲: ۱۵۷). در مجموعه قصر سلطنتی ناصرالدین شاه عمارت منفردی در میان باغ به نام تخت‌خانه بنا شده بود که تخت معروف مرمر نیز در آن‌جا بود و سلام مخصوص شاهانه در این عمارت برگزار می‌شد. تالاری که این تخت در آن قرار داشت چنان بزرگ بود که از جهت ارتفاع با قصر سلطنتی هم‌دوش و جلوی آن به کلی باز و متکی به دو ستون بلند ماریچی شکل بود که آن‌ها را با گل و بوته‌های کم‌رنگ ظریفی مزین ساخته بودند (فووریه، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

۲-۱-۴. سفارتخانه و کنسولگری

در پی آمدوشدهای سفرای خارجی و ایرانی به دربارهای یکدیگر و مقیم شدن هیئت سفارت‌های خارجی در تهران در دوره‌ی پیش از ناصرالدین‌شاه، سفارتخانه‌هایی به آن‌ها اختصاص داده شد (در سفرنامه‌های پیش از دوره ناصری به محل احداث این سفارتخانه‌ها اشاره نشده است)؛ ولی کار اصلی سفارتخانه‌ها و افزایش تعداد سفارتخانه‌های دول کامله‌الوداد

در تهران با سلطنت ناصرالدین شاه قاجار نضج گرفت. در اوایل سلطنت وی کشورهای روسیه، انگلستان، فرانسه و عثمانی و دولت پروس دارای سفارتخانه در تهران بودند؛ هرچند طولی نکشید که هیئت سفارت پروس به وین فرا خوانده شدند (پولاک، ۱۳۸۰: ۲۹۷؛ بروگش، ۱۳۸۹: ۲۷۶). در همین دوران بود که برای اولین بار بر شمار و فعالیت کنسولگری‌های دول خارجی در شهرهای ایران افزوده شد. فوریه از فعالیت سفارتخانه‌های فرانسه و انگلیس صحبت کرده است (۱۳۸۹: ۲۳۶، ۲۳۷).

عصر دیگر سیاسی کالبد شهرها، کنسولگری‌هایی بودند که با بیشتر شدن روابط ایران و کشورهای غربی در بسیاری از شهرهای ایران دایر گردید. بسیاری از این کنسولگری‌ها به تجار و اتباع کشورهای اروپایی در خاک ایران خدمات ارائه می‌دادند و به عنوان پناهگاه آن‌ها محسوب می‌شدند. گاه آن‌ها را به گونه‌ای بزرگ دیده و قابل ستایش یافته‌اند که از آن‌ها به عنوان «شهر کوچکی» (دوگوبینو، ۱۳۴۱: ۹۸) یاد کرده و گاهی تأسیس آن‌ها را «مبدأ دوره جدیدی برای تاریخ شهری» (کرزن، ۱۳۸۷: ۲۱۲) دانسته‌اند. کنسولگری‌ها نیز همان مزایایی را داشته‌اند که سفارتخانه‌ها از آن‌ها برخوردار بوده‌اند. ساختمان‌هایی که اختصاص به محل سکونت سفیر روس و اعضای سفارت و قزاق‌های محافظ آن‌ها داشت در شمال ارگ واقع بود. پس از واقعه قتل گریبایدوف سفیر وقت روس به دست مردم، دولت موافقت کرد که برای اقامت، محلی را در داخل ارگ در اختیار سفیر روس قرار دهد که نظیر چنین واقعه‌ای دیگر روی ندهد (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۸). در نزدیکی همین ساختمان سفارت روس، در زمان ناصرالدین شاه ساختمان دارالفنون احداث شد. در وسط این ساختمان مستطیل شکل، حیاطی وسیع با یک حوض بزرگ قرار داشت و در اطراف آن حدود چهار اطاق به عنوان کلاس درس بنا کردند (همان: ۱۷۹-۱۸۰).

۲-۱-۵. چاپارخانه، پست دولتی و تلگرافخانه

در فضای کالبدی شهر دوره قاجار، چاپارخانه و تأسیسات جدیدی نظیر پُست و تلگرافخانه نیز شکل گرفتند. مهم‌ترین رسالت محوله به چاپارخانه‌ها، حمل محموله‌های پستی دولتی و فرمان‌های دربار، از پایتخت به شهرهای دیگر و در سوی دیگر حمل محموله‌ها از مراکز شهری به پایتخت بود. چاپارخانه‌ها از دیواری خشتی ساخته می‌شده و یک حیاط چهارگوش در کنار

آن‌ها قرار داشته، سردری بیضوی شکل داشته و در دو طرف در ورودی اتاق‌هایی تعبیه شده بود، که چارپایان در آن‌ها به استراحت پردازند (اورسل، ۱۳۵۳: ۳۲). اداره پستی که امیرکبیر در جنب چاپارخانه دولتی در پایتخت و دیگر شهرها به وجود آورد، کار ارتباط دولت با مراکز شهری و کنسول‌خانه‌ها و سفارتخانه‌ها و کشورهای اروپایی را تسهیل و تسریع بخشید. در نتیجه ایجاد پست و چاپارخانه، بسته‌ها و نامه‌های پستی از اروپا به سفارتخانه‌ها و کنسول‌خانه‌ها ارسال می‌گردید. این موضوع را خانم شیل، که در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه در ایران به سر می‌برده بیان می‌دارد و می‌گوید: ماهی یک بار پست برای آن‌ها بسته‌هایی از اروپا می‌آورده است (شیل، ۱۳۶۲: ۶۵).

وضعیت نابه‌سامان پست و چاپارخانه‌های دولتی همچنان تا نیمه دوم سلطنت ناصرالدین‌شاه دوام داشت تا اینکه وی در پی نخستین دیدار خود از اروپا، درصدد برآمد اداره پست و چاپارخانه را به شیوه‌ای اروپایی درآورد. بنابراین عده‌ای افراد مجرب از اروپا دعوت و در ایران مشغول به کار شدند (کرزن، ۱۳۹۰: ۶۰۴). پست و اداره‌ی آن روزبه‌روز در حال پیشرفت بود. بر اثر نیاز روزافزون مردم به خدمات پستی و انجام گرفتن این خدمات به نحوی مؤثر و کارآمد، از سوی اداره‌کنندگان و مأموران پستی، دیری نپایید که در کم‌تر زمانی پست ایران به سامان شد. یکی از سیاحان دیدار کننده از تهران در این دوره، اقدامات اصلاحی شاه را در این زمینه ستوده و بیان داشته که دفاتر پست در اغلب نقاط شهر پراکنده هستند و به مشتریان خود خدمات ارائه می‌دهند (اورسل، ۱۳۶۲: ۱۱۴).

تلگراف نیز از عناصر جدید الگو گرفته از غرب بود که به اهتمام انگلستان به هدف ارتباط با سرزمین‌های مستعمره خود در ایران ایجاد شد. این پدیده جدید در ایران اهداف دربار را در برقراری ارتباط سریع‌تر مرکز با ایالات و ولایات، تقویت تمرکز حکومتی و سرکوب اقدامات ضد دولتی میسر ساخت. از این رو، تلگراف برقی از جمله آن دسته از عناصر تمدن جدید غرب بود که خیلی زود مورد توجه دربار شاهی ایران قرار گرفت. تسریع در ارسال اخبار به اقصی نقاط حکومت ناصری این حکومت را بر آن داشت به سرعت درصدد ایجاد تلگرافخانه در ایران برآید. در سال‌های اولیه سلطنت ناصرالدین‌شاه، در شهر تهران «نخستین خط تلگراف بین شهر و قصر شاه کشیده شد» (پولاک، ۱۳۸۰: ۲۱۹). با ایجاد ساختمان‌های تلگرافخانه‌ها در

شهرها، این بنا نیز در فضای کالبدی شهر ایرانی نمایان شد و در کنار سایر بناهای سنتی توجه سیاحان را به خود جلب کرد و در نوشته‌های خویش از آن یاد کرده‌اند.



تصویر ۳: نمایی از چاپارخانه میبد



تصویر ۴: نمایی از ساختمان تلگرافخانه چاه‌بهار

۲-۲. ساختار اقتصادی و عناصر آن

فضای کالبدی شهر ایرانی عصر ناصری در بُعد ساختار اقتصادی شامل بازار، کاروانسرا و بانک بوده است.

۲-۲-۱. بازار

بازار را نه تنها جغرافی‌دانان و محققان اسلامی وجه مشخصه شهر می‌دانند، بلکه دانشمندان غربی نیز شهر را مرکز مبادله کالا و کانون اصل تجارت شناخته‌اند (سرای، ۱۳۸۹: ۲۵). تحولات ساختارهای کالبدی و اجتماعی که در ابتدای عصر قاجار شکلی آرام و در اواخر این دوره و دوران بعد، شتاب فزونی به خود گرفت باعث اُفت نقش بازار و در مواردی فروپاشی کانونی‌ترین عنصر شهر سنتی ایران گردید. آنچه مشخص است دوران قاجار در ابعاد کالبدی

عصر بالنسبه پرتحرکی در توسعه ساختار بازار است. در اواسط این دوره مقارن با سلطنت ناصرالدین شاه و دوران پس از آن استقرار عناصر ناسازگار با شرایط کالبدی بازارها باعث تغییر در عملکرد مرکزیت بازار و بدل شدن آن به عنصری حاشیه‌ای شهر می‌شود. در این باره سفرنامه‌ها ضمن برشمردن ویژگی‌ها و عناصر کالبدی بازارها زمینه تغییر شکل و در نهایت تغییر عملکرد آن را از دیدگاه تاریخی مورد توجه قرار داده‌اند. در توصیف بازار و نقش آن در شهر عهد قاجار آمده است که «بازارها دالان‌های بلندی هستند با سقف‌های قوس‌دار که در دو طرف آن‌ها مغازه‌هایی تعبیه شده است. از این بازارها راه‌هایی به کاروانسراها باز شده که مقر عمده‌فروشان است. پیش از اینها بازارها و کاروانسراها هم تنگ و هم کوتاه بود تا آنکه در زمان وزارت میرزا تقی‌خان بازار وسیع‌تر و با کاروانسراهایش ساخته شد. وسایل و اثاث آن مجلل؛ حیاط‌ها و باغچه‌ها همه بزرگ و باشکوه ساخته شده و بعد از قصر سلطنتی دیدنی‌ترین چیز سراسر شهر تهران به شمار می‌رود. بازارهای دیگر که از نظر زیبایی در درجات بعد قرار دارد به دنبال این بازار ساخته شده، یا در خیابان‌های دورتر واقع شده است. به موجب یک رسم قدیم، پیشه‌وران یک رشته خاص، بخشی از بازار را در اختیار دارند» (دیولافوا، ۱۳۹۰: ۸۷)، و همچنین بازرگانان اهل یک شهر معین صنعتی، مثلاً یزد، کاشان، کرمان و غیره در کاروانسرای معینی سکونت می‌گرفتند. گاه نیز کسبه متفرق یک شهر خاص از طرف حکومت به سکونت در نقطه مشترک مجبور می‌شدند؛ مانند آنچه که برای رشته کفاشان و کلاه‌دوزان اتفاق افتاد (پولاک، ۱۳۸۰: ۶۶. بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۶). این توصیف که در نیمه اول سلطنت ناصرالدین شاه، از بازار تهران ارائه شده خود گویای شکل بازار، تغییرات در آن، وجود اصناف و نقش دولت در بازار است. اگر این تعریف را با در نظر گرفتن وضع اقلیمی دیگر شهرهای ایران و رونق صنعتی - تجاری بعضی از شهرها، و در نظر گرفتن اینکه بیش‌ترین تغییرات در مورد بازار تهران روی داده است، به عنوان شکل کلی بازارهای ایران در نظر بگیریم، پر بیراه نرفته‌ایم و مستندات ما این نظر را تایید می‌کند (بروگش، ۱۳۸۹: ۴۶۰؛ وامبری، ۱۳۸۱: ۲۶۸؛ دوگوبینو، ۱۳۴۱: ۱۹۶؛ براون، ۱۳۸۷: ۴۵۵-۴۵۳). تفاوت‌هایی که بازار شهرهایی چون شیراز (بروگش، ۱۳۸۹: ۴۶۰؛ کرزن، ۱۳۸۷: ۱۲۲) و اصفهان (کرزن، ۱۳۸۷: ۵۱) با بازار تهران داشته‌اند، مربوط به شکل بنای بازارها بوده که کم‌وبیش قدیمی بوده و یادگار دوران رونق صفوی و زندیه

بوده‌اند؛ و یا رونق آن‌ها به واسطه تولیدات صنعتی بوده که در ایران روزبه‌روز کم‌تر می‌شده است.

طیب فرنگی ناصرالدین شاه، از بازار طاقدار تهران یاد کرده که دالان‌های عریض و طویل آن با پیچ و خم‌هایش موجب می‌شد که مسافر اروپایی ناشناس بدون راهنما در آن گم شود. این طاق‌های سقف‌دار، عابرین و کسبه را در تابستان از شدت آفتاب و در زمستان از برف و باران حفظ می‌کرد. در نتیجه بازار در تابستان خنک و در زمستان از نفوذ سرمای بی‌حساب در امان بود. از بازار اصلی بازارهای دیگری منشعب می‌شد و انتهای آن به یک میدان یا کاروانسرای می‌رسید که آن‌جا بارهای تجارتهای را روی هم انبار می‌کردند. تمام ایام سال و در هر ساعت از روز از صبح تا غروب این بازارها پر از جمعیت بود، با این حال شترها و قاطرهایی که بار داشتند از آن‌جا می‌گذشتند. در بازار نماینده هر نوع شغل و تجارت و صنفی یافت می‌شد و نمایندگان هر صنف در محل‌های مخصوص به خود استقرار داشتند. در دو طرف دیوارهای ضخیم بازار که سقف‌ها بر آنها متکی بودند قدم به قدم طاق‌نماهایی به اسم دکان و مغازه ساخته شده بود که سراسر آن‌ها پر از کالا بود. در کنار هر یک از این دکان‌ها کارگرانی به حرفه خود مشغول بودند. افراد اروپایی در بازار تهران در برابر قالی‌ها، پارچه‌ها، انواع اسلحه، اشیاء عتیقه، کتاب‌های تذهیب شده و ظروف طلاکاری به تماشا می‌ایستادند و اگر طالب خرید بودند بهتر از بازار تهران جایی را نمی‌یافتند (فووریه، ۱۳۸۹: ۲۲۸-۲۳۰. نیز بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۶).

۲-۲-۲. کاروانسرا

از نماهای دیگر شهر عصر قاجار، کاروانسراهای درون شهری است که سابقه بنای آن به عهد صفوی باز می‌گردد. گاه مکانی برای عرضه مال‌التجاره بازرگانان محسوب گشته و به دلیل نبود مسافرخانه جهت اقامت مسافران از آنها گاه به‌عنوان اقامتگاه مسافران استفاده می‌شده است. در آن‌جا مکان‌هایی برای پخت و پز موجود بوده است. وامبری یکی از کاروانسراهای داخل شهر را این چنین توصیف کرده است: «در غالب اوقات دقیقاً در مرکز بازاری و معمولاً عمارت مربع شکلی هستند که هر ضلع آن به تعدادی حجره معین تقسیم می‌شود. هر یک دری نیم‌مدور دارد که هم در است و هم پنجره و به فضای ایوان ماندنی باز می‌شود که از سطح زمین بالاتر است و

دورتادور بنا امتداد می‌یابد. اصطبل‌ها در زیر ایوان قرار دارد تا مسافر که در طبقه بالا اقامت می‌کند بتواند اسب خود را در طبقه همکف زمین تیمار کند» (وامبری، ۱۳۸۱: ۵۶). پولاک نیز در توصیف یکی از کاروانسراها نوشته است: «همه چهارگوش است و سردری مقوس دارد که بر بالای آن شاه‌نشینی تعبیه کرده‌اند.... پس از گذشتن از دروازه به صحن حیاطی می‌رسیم که چهارگوش است. در وسط حیاط سکویی هست که معمولاً باربران بارهای خود را در آنجا می‌گذارند ولی اغلب زیر آنها آب‌انبار است. دور تا دور صحن حیاط غرفه‌های کوچکی است که ایوانی آنها را به هم مربوط می‌کند و در هر کدام اجاقی برای تهیه و پخت‌وپز غذا تعبیه شده است. در پشت ساختمان اصطبل‌ها و انبارها قرار دارد. در سراسر این بنا به هیچ روی چوب به کار برده نشده است؛ یکی از آن جهت که از خطر حریق اجتناب کنند و دیگری از آن رو که چوب‌ها را می‌شکنند تا برای سوخت مصرف کنند. در نتیجه در کاروانسراها از در و پنجره خبری نیست» (پولاک، ۱۳۸۰: ۳۰۴).



تصویر ۵: نمایی از بازار تهران



تصویر ۶: کاروانسرای فخرآباد بجستان

۲-۲-۳. بانک

صرافی در تاریخ اسلامی ایران مکانی بوده که کار مبادله و تبدیل برات‌ها را برعهده داشته است. این شیوه چه پیش از دوره سلطنت ناصرالدین شاه و چه در چهار دهه از سلطنت وی، برقرار بوده است. تا اینکه «در سال ۱۸۸۸م/ ۱۳۰۶ه.ق بانک جدید خاور درصدد برآمد که ایران را در حوزه عملیات آسیائی خود وارد سازد و شعب نمایندگی در تهران، مشهد، تبریز، رشت، اصفهان، شیراز و بوشهر باز کرد» (کرزن، ۱۳۸۷: ۶۱۴). وجود شعبات این بانک در شهرهای فوق موجب گردید که مردم شهرنشین به صورت تدریجی با کارکردهای بانک آشنا شده، به درک و دریافتی ناقص و جزئی از نحوه گردش پول، شیوه و منافع پس‌انداز دست یابند. پس از گذشت دو سال از عملیات این بانک، امتیازنامه عملیات و شعبات بانک در شهرهای مختلف از سوی بانک شاهنشاهی ایران، که در سال ۱۸۹۱م/ ۱۳۰۹ه.ق از طرف ناصرالدین شاه در قبال تأدیه خسارت بارون جولیوس رویتز به او اعطا شده بود، خریداری شد. بدین ترتیب در تهران و دیگر شهرها شعبات بانکی احداث گردید و «در سال ۱۸۹۰م/ ۱۳۰۸ه.ق اسکناسهای جدید با خط فارسی و علامت شیر و خورشید در یک طرف و عبارت انگلیسی و عکس شاه در سمت دیگر با ارزش یک تومان تا هزار تومان» (همان: ۶۲۰)، منتشر می‌کرد. با تأسیس بانک در ایران، این بنا به عنوان یک تأسیسات جدید در فضای کالبدی شهر عصر ناصری نمایان شد و در گزارش‌های سیاحان از آن یاد شده است. ساختمان‌های بانک شاهنشاهی انگلیس و بانک استقراضی روس در تهران از این نمونه‌اند. در سیمای شهرهای سنتی ایران، چنین بنایی وجود نداشته است. این قاعده شامل دیگر مؤسّسات تمدنی جدید نیز می‌شود.



تصویر ۷: نمایی از بانک استقراضی روس



تصویر ۸: نمایی از بانک شاهی، میدان توپخانه

۲-۳. اماکن مسکونی - عمومی و زیرساخت‌های شهری

بخش دیگری از فضای کالبدی و معماری شهر ایرانی عصر ناصری را اماکن عمومی، منازل و زیرساخت‌های شهری مانند شبکه آبرسانی تشکیل می‌داد. سیاحان غربی دیدار کننده از ایران به این بخش نیز توجه کرده و در گزارش‌های خود به توصیف آن پرداخته‌اند.

۲-۳-۱. خیابان، محله، کوچه، میدان

در عصر قاجاریه، شهرهای کشور و از جمله تهران به محله‌هایی تقسیم شده بودند و در رأس هر محله‌ای یک کدخدا قرار داشت که امور آن‌جا را عهده‌دار بود. بازارها هر کدام خود داروغه‌ای داشت. داروغه‌ها و کدخداها افراد خود را به گشت در قسمت‌های مختلف تحت فرمان خود می‌فرستادند تا همه‌جا را زیر نظر داشته باشند و بازرسی کنند (بروگش، ۱۳۸۹: ۲۷۳-۲۷۲). توصیف سیاحان از نظام محلات شهرهای عصر ناصری به گونه‌ای است که بیشتر آنان در سفرنامه‌های خود کوچه و خیابان شهرها را غالباً کثیف و پر پیچ‌وخم دیده‌اند (پولاک، ۱۳۸۰: ۷۴؛ دوگوبینو، ۱۳۴۱: ۱۹۶؛ اورسل، ۱۳۶۲: ۱۲۱؛ دیولافوا، ۱۳۹۰: ۲۵۱؛ فووریه، ۱۳۸۹: ۱۲۴، ۲۳۰). به سبب ناهموار بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها و ناامن بودن در شب، مأموران پلیس به مردم تهران اخطار می‌کردند که برای حفظ امنیت خود، شب‌ها بدون فانوس از منزل خارج نشوند (بروگش، ۱۳۸۹: ۲۶۶. کورف، ۱۳۷۲: ۲۰۷). بایسته‌ی گفتن است که در کم‌تر شهری دست به تعمیر، احداث و یا خیابان‌سازی می‌زده‌اند. تهران به عنوان پایتخت در این زمینه یک استثنا بود. در تهران با افزوده شدن شمار ساکنان شهر، طبیعی می‌نمود که بر وسعت شهر افزوده شود و ساخت و سازهایی در معابر عمومی به انجام برسد. این جریان در نیمه دوم سلطنت

ناصرالدین شاه شتاب بیش‌تری گرفته و تغییرات اساسی در کالبد شهری رخ نمود (کرزن، ۱۳۸۷: ۴۰۵). بیش‌تر این تغییرات در قسمت شمالی شهر، که محل استقرار اعیان و سفارت‌خانه‌های خارجی بود، صورت پذیرفت (فووریه، ۱۳۸۹: ۲۲۷).

به موجب این امر ناچار باید دیوارهایی که شهر را محصور کرده بودند ویران گردیده و از فضای بیرون بر محیط شهر بیفزایند. محلات جدیدی احداث گردیده و خیابان‌های طولی در شهر پدیدار گردند. تا پیش از این تغییرات اساسی تهران به چهار محله بزرگ به نام‌های عودلاجان در شرق، سنگلج در غرب، بازار در جنوب (شامل بازارها و کاروانسراهای تهران) و چاله میدان در جنوب شرق تقسیم می‌گردیده و این غیر از محله ارگ شاهی و متعلقات منضم به آن بوده است که جدای از محلات دیگر بود. محله ارگ که آن را ارگ مبارک سلطانی می‌نامیدند تقریباً در شمال شهر واقع شده بود (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۶). خیابان‌های نوین را به نحوی طراحی کرده بودند که قسمت وسط برای عبور و مرور عابران و کالسکه‌ها باشد و قسمت‌های اطراف را مختص حیوانات بارکش گردانیده بودند (سرنا، ۱۳۶۳: ۴۱). کوچه‌ها و خیابان‌های عریض و وسیع (فووریه، ۱۳۸۹: ۱۷۷، ۲۲۷؛ براون، ۱۳۸۷: ۱۲۴) به شکل‌های نوین احداث شده بودند و همگی خیابان‌های جدید را سنگفرش کرده بودند و خیابانی که محل زندگی اروپایی‌ها و چند سفارتخانه خارجی بود شب‌ها به وسیله چراغ‌هایی روشن نگه داشته می‌شدند (ویلز، ۱۳۸۶: ۴۰۴؛ کرزن، ۱۳۸۷: ۴۰۷). یک عده از اعیان تهرانی در طرف مغرب شهر یعنی در محله سنگلج و اراضی بین دروازه قزوین و دروازه باغ‌شاه، پارک‌ها و باغ‌های بزرگی ساخته بودند که یکی از آن‌ها امیریه متعلق به نایب‌السلطنه بود (فووریه، ۱۳۸۹: ۲۳۱). از نظر فضاهای باز و میدان‌های وسیع، تهران دچار کمبود بوده است. بزرگترین و زیباترین این میادین، سبزه میدان بود که در فاصله کمی از دروازه ارگ واقع شده بود و در وسط آن حوض آب بزرگی وجود داشت. از دروازه زیبایی که در این میدان قرار داشت راهی به خیابانی در محله ارگ منتهی می‌شد که آن خیابان به میدان توپخانه در شمال ارگ می‌پیوست. بین خیابان و میدان توپخانه سردر و دروازه‌ای بود که می‌بایست از زیر آن می‌گذشتند. در بالاخانه این سردر، نقاره‌خانه قرار داشت که هنگام غروب نقاره‌چی‌ها در آن می‌نواختند. از میدان توپخانه که در سه طرف آن توپ‌های بزرگ و کوچک قرار داشت، خیابان‌های متعددی به نواحی

مختلف شهر منشعب می‌شد که از همه‌ی آن‌ها مهم‌تر خیابانی بود که به دروازه دولت می‌پیوست (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۷).

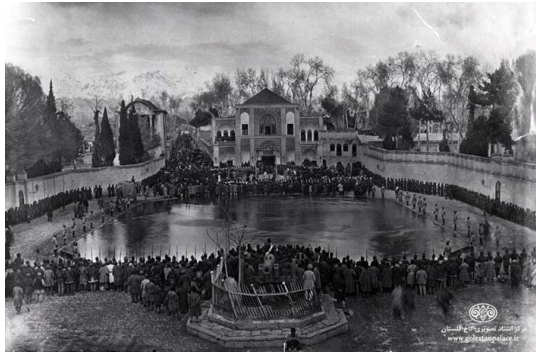
هرچند که نوشته‌ی زیر از دکتر فووریه در دهه آخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، ممکن است موجب اطاله کلام گردد، ولی به حدی گویا و دقیق است که ذکر آن ضروری است: «میدان توپخانه که یک عده توپ در آن‌جا هست در شمال ارگ قرار دارد در حقیقت میدان مرکزی شهر است. از شش دروازه آن که از آنها دو دروازه سمت ارگ مهمتر محسوب می‌شود به چهار جهت شش خیابان بزرگ ممتد است که در دو طرف غالب آنها درخت کاشته‌اند و در بیشتر اوقات سال بخصوص در بهار و پاییز از کنار آنها نهر آبی نیز می‌گذرند، دو خیابان الماسیه و ناصریه در جنوب که به ارگ و بازار و محلات قدیمی پایتخت متوجهند، خیابان چراغ‌گاز که از آن هم می‌توان به دروازه شمیران رفت و هم به ایستگاه راه‌آهن شاه‌عبدالعظیم. خیابان دیگر خیابان مریضخانه است که راه قزوین و اروپا از آنجاست. اگر خیابان مریضخانه را از طرف مغرب و خیابان چراغ‌گاز را از طرف مشرق امتداد دهیم می‌توان گفت که تهران کهنه در جنوب این خط و تهران نو در شمال آن قرار دارد. قسمت شمالی تهران به داشتن کوچه‌های زیبا و مستقیم و حیاط و باغ‌های وسیع و عمارات زیاد، ممتاز است؛ به‌خصوص که تمام سفارتخانه‌های خارجی غیر از سفارت روس که در آخر خیابان چراغ‌گاز در جانب قسمت قدیمی شهر است بقیه در این قسمت شمالی واقع شده است. اگر از میدان توپخانه به سمت شمال دو خیابان شمالی جنوبی را بگیریم عمارت صدراعظم و باغ لاله‌زار و سفارتخانه‌های ممالک اروپایی و ممالک متحده امریکا و عثمانی و عمارت و ابنیه جهانگیرخان وزیر صنایع و باغ بزرگ امین‌السلطان را در سر راه می‌بینیم. در برگشتن اگر خیابان سیف‌الدوله را اختیار کنیم به عمارت بهارستان می‌رسیم که امروز اقامتگاه یحیی خان مشیرالدوله است و باغ وسیعی دارد که مدرسه بزرگ سپهسالار با وجود عظمت به هیچ‌وجه فضای آن را تنگ نکرده است. کمی فاصله از میدان بهارستان در ضلع جنوب غربی کوچه‌ای که از آن‌جا به لاله‌زار برمی‌گردند منزل شاهزاده ظل‌السلطان واقع است و ظل‌السلطان غیر از این خانه، مالک پارکی است نزدیک باروی شهر قریب به پارک امین‌الدوله. از میدان بهارستان اگر امتداد خیابان نظامیه را بگیریم طرف دست چپ ما مسجد سپهسالار است بعد از آن به خانه محقر دوست من اعتمادالسلطنه

می‌رسیم که بی سر و صدا در آن‌جا در میان کتب خود زندگی می‌کند، طرف دست راست قبرستان قدیمی است و بعد از آن در چند قدمی سفارت روس به خیابان چراغ‌گاز وارد می‌شویم. میدان دیگر شهر میدان مشق است که میدانی وسیع و محصور است و در قسمت تازه‌ساز شهر و برای مشق نظامیان ساخته شده و گاهی هم شاه سپاهیان را در آن‌جا سان می‌بیند. در میدان مشق نزدیک در غربی میدان توپخانه است یعنی همین که چند قدم از این در خارج و در خیابان مریضخانه داخل شدید به در میدان مشق می‌رسید. خیابان الماسیه که داخل ارک می‌شود و خیابان ناصریه یا خیابان شمس‌العماره یعنی دو خیابان جنوبی میدان توپخانه راه وصول به محلات قدیمی شهراند و در این محلات جز ایرانی کسی دیگر ساکن نیست. کوچه‌ها و محلات تنگ و پریچ‌وخم است... کثافت آن‌ها بی‌نهایت است مخصوصاً پایین بازار و در کوچه‌هایی که راه میدان قاپوق و میدان مال‌فروش‌ها و محله یهودی‌ها است... محله بازار در جنوب و جنوب شرقی ارک است و اختصاص آن به کوچه‌های طاقداری است که جابجا سقف آن‌ها را برای جریان هوا و رسیدن نور سوراخ کرده‌اند... در بازار بزرگ در خیابان جبه-خانه واقع است و جلوی آن میدان کوچکی است که به آن سیزه میدان می‌گویند. ...» (فووریه، ۱۳۸۹: ۲۲۶-۲۲۸).

سیاحان غربی در توصیف شهرها از مراکز آموزشی و مذهبی آن‌ها نیز یاد کرده‌اند. برای نمونه در تهران عصر ناصری از ۱۷ مدرسه و ۱۱ مسجد بزرگ و چهار امامزاده که زیارتگاه مردم بوده‌اند یاد شده است. در محله سنگلج ۶ مدرسه و ۲ مسجد، محله بازار ۵ مدرسه و ۴ مسجد، محله عودلاجان ۴ مدرسه و ۳ مسجد، محله ارگ ۲ مدرسه و ۱ مسجد، محله چاله میدان ۱ مسجد بدون مدرسه (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۸۰).



تصویر ۹: سبزه میدان، میدان اصلی شهر تهران در دوره قاجار



تصویر ۱۰: میدان ارگ تهران

۲-۳-۲. منازل

نقشه‌کشی، پیاده کردن نقشه، پی‌ریزی، مصالح و شکل منازل در بیشتر شهرهای ایران، به جز تبریز و تهران - که اولی زودتر و دومی دیرتر دستخوش تغییراتی به سبک اروپایی در شیوه ساخت منازل شدند- در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه همچنان بر همان سیاق سابق بود. خانه‌ها را شبیه به هم می‌ساختند و فقط از لحاظ اندازه و ارتفاع با همدیگر تفاوت داشته‌اند. در پی ساختمان که نیم متر حفر می‌شده، و به نظر می‌رسد برای نگه داشتن آن همه فشار که بر آن وارد می‌شده ناکافی بوده، کم‌تر گِل و آهک مخلوط می‌کرده‌اند و طبیعی می‌نماید که به علت نفوذ کردن رطوبت به پایه‌ها، که هم از طریق جوی‌های جاری در کوچه‌های تنگ و هم از طریق ریزش باران همیشه امکان مرطوب شدن را داشته‌اند، طولی نمی‌کشیده که خانه از پای- بست ویران می‌شده است. شکل بنا غالباً در خانه فقرا یک طبقه و در خانه اعیان دو طبقه بوده است. مصالح مورد استفاده همچنان خشت خام بوده و کم‌تر از آجر استفاده می‌شده، مگر در خانه اعیان و اشراف. بیرون خانه‌ها را با ملاطِ گل اندود، و داخل خانه را با گچ سپید اندود می‌کرده‌اند. حیاط منزل مستطیل شکل و در اطراف آنها اتاق‌هایی تعبیه شده بود که حیاط را محصور می‌کردند. دروازه خانه بیش از دو متر ارتفاع نداشته و با درب‌های چوبی محافظت می‌شده است. بام خانه‌ها را با چوب و خاک مسقف می‌کرده‌اند و لایه‌ای از ملاط کاه گل بر روی آنها می‌مالیده‌اند. خانه‌ها پنجره‌ای رو به کوچه نداشته و اغلب از داخل حیاط نور می‌گرفته‌اند (پولاک، ۱۳۸۰: ۶۰؛ سرنا، ۱۳۶۳: ۴۴؛ دوگوبینو، ۱۳۴۱: ۹۶؛ دیولافوا، ۱۳۹۰: ۵۸؛ فورویه، ۱۳۸۹: ۲۳۲). در اثر باران‌های زمستانی گاه سقف‌ها و دیوارهای بناهای خشت و گلی

بر سر ساکنین و حیوانات فرو می‌ریخت، اصطبل‌ها خراب می‌شد و حتی گاه بخشی از سقف بازارها بر سر دکاندارها پایین می‌آمد و تلفات بسیار وارد می‌کرد (فووریه، ۱۳۸۹: ۲۳۲). تعریف فوق که حاصل برداشت از سفرنامه‌های عصر ناصری است از سوی سیاحان در مورد بسیاری از شهرهای ایران به کار گرفته شده است. در واقع سیاحان تفاوت‌های کمی در ساخت بنای منازل در ایران بیان داشته‌اند. چنین تفاوت اندکی خود معلول تغییرات اقلیمی ایران بوده است. آنچه مشخص است این است که تغییراتی در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه در ساخت منازل، مانع از بسط این تعریف به صورت کلی بر تمامی شهرهای ایران در دوران سلطنت وی شده است. اما آنچه که به عنوان تغییر، و آن هم به صورت جزئی، می‌توان از آن یاد کرد تغییرهایی بود که ابتدا در تبریز (شیل، ۱۳۶۲: ۲۸) و سپس در تهران (کرزن، ۱۳۸۷: ۶۰۴؛ دیولافوا، ۱۳۹۰: ۱۹۳) در شکل منازل و قرار دادن پنجره‌هایی رو به کوچه به سبک اروپا و متأثر از منازل اروپاییان ساکن در ایران در این دو شهر روی داد.

۲-۳-۳. شبکه آبرسانی و دفع فاضلاب

امور آب و فاضلاب در زندگی شهری بسیار حایز اهمیت است و شهرها بدون وجود آبرسانی کافی- سوی سالم یا ناسالم بودن آب- نه توان احداث شدن و نه امکان گسترده شدن را دارند؛ شهرهای اوایل عصر قاجار بنا به پراکندگی جغرافیایی آن‌ها در اقلیم‌های گوناگون از شیوه متفاوت آبرسانی به داخل شهر و دفع فاضلاب به بیرون شهر استفاده می‌کرده‌اند. آب مشروب تهران مثل غالب شهرهای دیگر ایران از قنات بوده و تمام آن از دامنه البرز می‌آمده است. در زمان فووریه، دهانه‌های چاه‌های این قنات در تمام جلگه بیرون شهر مخصوصاً در بیرون دروازه‌های شمیران و دوشان‌تپه نمایان بوده است (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۴۰). در اغلب شهرها آب را به واسطه کاریز و جوی‌هایی به داخل شهرها هدایت می‌کردند و پس از عبور میان جوی‌های باریک، گاه سر باز و گاه سر پوشیده، در کوچه و خیابان جاری گشته و هر منزل یک شاخه از آن را به داخل حیاط می‌کشید (چریکف، ۱۳۸۷: ۸۵ فووریه، ۱۳۸۹: ۱۶۵، ۲۳۰). جوی‌هایی که آب را به داخل شهر و منازل می‌بردند، آب‌های باران و فاضلاب‌هایی را که از شستن پدید می‌آمده و داخل کوچه سرازیر می‌شدند نیز با خود به اطراف منتقل می‌کردند. در اثر وضعیت نامناسب توزیع آب از طریق مجاری روباز که کثافات

کوچه و راه از همان جا داخل آب می‌شد و بیشتر اوقات مردم اشیاء آلوده خود را هم در آن جا می‌شستند، هر از گاه بعضی از امراض به سرعت تمام شهر را دربر می‌گرفت و ابتلای عمومی پدید می‌آمد (فووریه، ۱۳۸۹: ۲۳۰. اولیویه، ۱۳۷۱: ۷۰). در بعضی از نقاط کشور، مردمان آب چاه‌هایی را که خود در منازل حفر می‌کردند، مورد استفاده قرار می‌دادند. در تابستان، مردمان شهر برای رفع عطش و خنک کردن آب از یخ‌هایی (اولیویه، ۱۳۷۱: ۷۰) که از نقاط سردسیر و مرتفع می‌آورده، استفاده می‌نمودند. در بسیاری از شهرها به منظور خنک نگه داشتن آب، مکان‌هایی به نام «آب‌انبار» (فلاندن، ۲۵۳۶: ۹۰) یا یخچال (فووریه، ۱۳۸۹: ۲۳۰) می‌ساختند، مرکب از یک اتاق در گودی با سایه‌بانی در زیرزمین که از یک طرف آب به آن وارد می‌شده و به خاطر عدم تابش نور خورشید به این مکان، آب آن همواره خنک و قابل شرب بوده است.

در شهرها برای لوله‌کشی آب، از لوله‌هایی از گل پخته [تنبوشه] در ملاطی از گل رس استفاده می‌شد که پس از خشک شدن به صورت پوشش نفوذناپذیری درمی‌آمد و سالیان دراز دوام می‌آورد (دروویل، ۱۳۸۷: ۵۱). به واسطه این چنین شبکه لوله‌کشی، بسیاری از شهرها از آب آشامیدنی برخوردار شدند. به نوشته گیلومر، هیچ نقشه‌ای در مورد آب‌رسانی شهر وجود نداشت. تقریباً چهل قنات آب را از تپه‌های اطراف به تهران می‌آوردند. طول آن‌ها از ۷ تا ۱۳ کیلومتر و عمق آن‌ها با توجه به ناهمواری زمین تغییر می‌کرد. در بیشتر قنات، آب چاه و در بعضی از آن‌ها آب رودخانه جریان داشت. میزان آب ثابت نبود. در بهار و زمستان آب قنات زیاد ولی در تابستان کم می‌شد. به همین دلیل در منازل آب‌انبار برای ذخیره نمودن آب وجود داشت (گیلومر، ۱۳۵۴: ۷۶-۷۹).





تصویر ۱۱: نظام آبرسانی شهر تهران در دوره قاجار

۳. نتیجه گیری

ظهور عصر قاجار که نه توانست به تمامی نویدبخش یک حکومت متمرکز دولتی باشد و نه به مانند حکومت‌های ترک پیش از خود نقش یک حکومت ممتاز با مشخصه ملوک‌الطوایفی را به درستی ایفا کرد، کشور را به اجبار در مدار ارتباط با دول اروپایی و عناصر تمدنی ناشی از انقلاب صنعتی آن‌ها قرار داد؛ بدین سان شالوده ورود ایران به مناسبات بی‌برنامه جهانی را مهیا ساخت. در این مناسبات، ایران تا آغاز سلطنت ناصرالدین شاه یک جامعه کاملاً سنتی با اندکی تغییر در عناصر کالبدی خود که همواره منطبق بر شرایط واقعی آن بوده است، جلوه می‌کند. با روی کار آمدن ناصرالدین شاه، دوره جدیدی در تاریخ قاجاریه آغاز می‌گردد. با مسافرت شاه به اروپا و مشاهده تمدن جدید غرب که متناسب با شرایط خود، منتج به دستاوردهای نوینی برای جامعه صنعتی شده بود، اقدامات اصلاحی آغاز شد که همانند دیگر اقدامات منشأیی خارج از بطن جامعه شهری داشت و تنها با عاریه گرفتن عناصر غربی بدون داشتن زمینه‌های الزامی و نیز عدم توجه به پذیرش این عناصر از سوی جامعه سنتی شهری به مورد اجرا درآمد. در این دوره، تلگراف از عناصر جدید الگو گرفته از غرب در ایران ایجاد شد، بانک به مثابه مرکز تبادلات پولی تأسیس گردید و بر شمار و فعالیت کنسولگری‌های دول خارجی در شهرهای ایران افزوده شد. ساختمان‌های تلگرافخانه، پست، بانک، کنسولگری، شبکه آب-رسانی و غیره در کنار سایر بناهای قدیمی، فضای کالبدی شهر ایرانی را متفاوت از شهر سنتی شکل داد.

عصر ناصری به لحاظ کالبدی، برج و باروی شهرها خصوصاً اطراف تهران را در برخی از مواضع تخریب ساخته و بدین سان بر گستره‌ی کالبدی شهر افزود؛ بازار دوباره توسعه یافت، خیابان‌های تازه‌ای کشیده شدند، چندین هتل و مسافرخانه به سبک اروپایی چه توسط دربار و چه توسط خارجی‌های مقیم ایران، ساخته شد. موزه‌ای در دارالعماره ایجاد شد و چندین شعبه بانک خارجی دایر گردید. به تدریج فعالیت اروپاییان در بازار ایران و تمامی پایه‌های اقتصادی شکل مشهودتری به خود گرفت. ادامه چنین تطوری با فروپاشی بازار و زوال قدرت اقتصادی آن، آستانه ورود ایران به عرصه جهانی را میسر ساخت و به تبع آن تأثیرپذیری از فرهنگ و عناصر غربی در شهرسازی دوران پس از خود را به ثبوت رساند. این روند سرانجام منجر به تقابل و فروپاشی نهادهای قدیمی و تاریخی شهر که به نوعی هویت و شناسنامه شهری محسوب می‌شدند، گردید. این تغییرات ابتدا به شکل محتوایی و سرانجام در دوران پهلوی دوم به شکل کالبدی به فروپاشی تمامی ارکان سنتی شهرسازی ایرانی-اسلامی انجامید. این ارکان پس از این، نه به عنوان سازمان‌دهنده شهری بلکه تنها به عنوان عناصری نمادین در شهر به‌شمار می‌آمد که در پاره‌ای از اوقات ارزش تاریخی آن بنا از کارکرد پیشین خارج و به شکل موزه و بدون استفاده درآمده بود، از این رو در طرح‌های شهری، این ارکان سنتی نه به منزله دیباچه نهاد شهری بلکه به عنوان موانع عمران و نوسازی شهری محسوب گردید. اینک شهر ایرانی به یکباره و به‌دور از گذر از تحولات مقطعی و منطبق با شرایط تاریخی و محیطی خود گام به دورانی نهاده که شهروند آن هرچه بیشتر با مفهوم مدنیت در آن بیگانه گردیده و شهر را عنصری نوین منتج از جریان‌های سیاسی و اقتصادی جدید می‌دانند که نهایت امر به برداشتی سهل‌انگارانه از شهر و شهرنشینی انجامیده و هویت ساکنان خود را در ازمه تاریخی وانهاد و به عصر جدید پا می‌گذارد.

پی‌نوشت:

تمام منابع مربوط به عکس دوران ناصری مستخرج از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی است، حد فاصل سال‌های ۱۲۲۵-۱۲۷۵.

منابع

- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۴.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، اساطیر، تهران.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳)، سفرنامه اورسل، ترجمه علی اصغر سعیدی، زوار، تهران.
- اولیویه (۱۳۷۱)، سفرنامه اولیویه، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، اطلاعات، تهران.
- براون، ادوارد (۱۳۸۷)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، اختران، تهران.
- بروگش، هینریش (۱۳۸۹)، سفری به دربار سلطان صاحبقران ۱۸۶۱-۱۸۵۹، ترجمه محمدحسین کردبچه، چاپ سوم، اطلاعات، تهران.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۸۰)، سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاوس جهاننداری، خوارزمی، تهران.
- چریکف، سیاحتنامه مسیو چریکف (۱۳۸۷)، ترجمه آبگار مسیحی، به کوشش علی اصغر عمران، امیرکبیر، تهران.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۷)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، گوتنبرگ، تهران.
- دوگوبینو، کنت (۱۳۴۱)، نامه‌های ایرانی، ترجمه عذرا غفاری، ثقفی، تهران.
- دیولافوا، ژان (۱۳۹۰)، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه همایون فره‌وشی، دنیای کتاب، تهران.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران.
- سرائی، محمدحسین (۱۳۸۹)، «تحولات بازارهای ایرانی- اسلامی (مطالعه موردی بازار یزد)»، فصلنامه شهرهای ایرانی-اسلامی.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳)، سفرنامه کارلا سرنا (مردم و دیدنی‌های ایران)، ترجمه غلامرضا سمیعی، نو، تهران.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۲)، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، آگاه، تهران.

_____ (۱۳۶۷)، مقدمه بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران.

_____ (۱۳۷۰)، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

شیعه، اسماعیل (۱۳۶۸)، با شهر و منطقه در ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

شیل، ماری (۱۳۶۲)، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، نو، تهران.

عثمان، محمدعبدالستار (۱۳۷۶)، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، امیرکبیر، تهران.

فلامکی، منصور (۱۳۵۰)، «سهم فضای معماری در زندگی سنتی ایران»، مجموعه مقالات اولین سمینار مرمت بناها و شهرهای تاریخی، دانشکده هنرهای زیبا.

فلاندن، اوژن (۲۵۳۶)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ سوم، اشراقی، تهران.

فووریه، ژوآنس (۱۳۸۹)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، دنیای کتاب، تهران.

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۷)، ایران و قضیه ایران، مترجم غلامعلی وحید مازندرانی، علمی و فرهنگی، تهران.

کورف، بارون فیودور (۱۳۷۲)، سفرنامه‌ی بارون فیودور کورف (۱۸۳۴-۱۸۳۵)، ترجمه اسکندر ذبیحیان، فکر روز، تهران.

گاردان، کنت آلفرد دو (۱۳۶۲)، خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، چاپ دوم، گزارش فرهنگ و تاریخ ایران، تهران.

گیلمور، جان (۱۳۵۴)، گزارش بررسی شرایط صحیحه در مملکت ایران، ترجمه محمدعلی فقیه، مجموعه در چنجه بهره‌روز، تهران.

مارکام، کلمنت (۱۳۶۴)، تاریخ ایران در دوره قاجار، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران، تهران.

منصوری، کاوه، پارسی، فرامرز، بدری، نگار (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

موریه، جیمز (۱۳۸۶)، سفرنامه جیمز موریه، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، تهران.

موزر، هنری (۲۵۳۶)، سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)، ترجمه علی مترجم، به کوشش محمد گلبن، سحر، تهران.

همبلی، گاوین (۱۳۸۷)، «شهر سنتی ایران در دوره قاجاریه»، تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجاریه، از مجموعه تاریخ کمبریج، زیر نظر پیتر آوری، ترجمه مرتضی ثاقب فر، جامی، تهران.

وامبری، آرمین (۱۳۸۱)، زندگی و سفرهای وامبری (دنباله سیاحت درویش دروغین)، ترجمه محمدحسین آریا، علمی و فرهنگی، تهران.

ویلز (۱۳۸۶)، سفرنامه دکتر ویلز (ایران در یک قرن پیش)، ترجمه غلامحسین فراگوزلو، اقبال، تهران.

یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۰ الف)، جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۰ ب)، شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

